

اقسام شروط ضمن عقد نکاح برای پرداخت مهریه

صدیقه محقق^۱

چکیده

خانواده در اسلام قداست و منزلت خاصی دارد و برای تحکیم روابط بین زوجین احکام و دستورات خاصی صادر کرده است. یکی از موضوعاتی که در آسان کردن تشکیل خانواده و استواری روابط خانوادگی رابطه مستقیم دارد موضوع مهریه است. مقدار مهریه و نحوه پرداخت آن از مباحث قابل توجه است. امروزه در عقدنامه‌ها قید عندالمطالبه یا عندالاستطاعه منشأ نگرانی‌ها و مشکلاتی شده است. اهداف نوشتار حاضر بیان اقسام شروط ضمن عقد نکاح برای پرداخت مهریه و جلوگیری از اختلافات بین زوجین برای پرداخت مهریه و یا مطالبه مهریه در اثر جهل نسبت به شرط عندالمطالبه یا عندالاستطاعه است. با پژوهش حاضر مشخص شد که در مورد مقدار مهریه بین فقهای امامیه اختلاف وجود دارد. مشهور فقها معتقدند که در مهر حداقل و حداکثر وجود ندارد. درباره ماهیت مهریه برخی عقیده دارند که مهریه در زمره عقود معاوضی و برخی دیگر معتقدند که قراردادی است اگر در زمان عقد، مهر معین نشود و بعد از عقد نکاح مهر معین شود. شروط ضمن عقد برای پرداخت مهریه دو قسم است: شرط عندالاستطاعه که مبانی فقهی آن مواردی مانند قدرت پرداخت، قاعده نفی عسر و حرج و عمومات «المؤمنون عند شروطهم» است؛ شرط عندالمطالبه که برای اثبات آن نیازی به مبانی فقهی نیست؛ زیرا اصل در دیون این است که به محض مطالبه طلبکار، مدیون باید دین را پرداخت کند، پس در وجود و قراردادن این دو شرط هیچ اشکالی وجود ندارد و می‌توانند به عنوان شرط ضمن عقد برای پرداخت و مطالبه مهریه قرار گیرند.

واژگان کلیدی: مهریه، عندالاستطاعه، عندالمطالبه، مهرالمثل،

مهرالمتع، مهرالمسمی.

^۱ دانش‌پژوه سطح چهار فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ص العالمیه، افغانستان.

۱. مقدمه

اسلام برای خانواده قداست و منزلت خاصی قائل شده است و آن را مایه سکون و آرامش می‌داند به همین دلیل به ازدواج و تشکیل خانواده فرمان داده است و در مقابل از انحلال خانواده جز در موارد خاص، نکوهش کرده است. اسلام برای تحکیم روابط بین زوجین احکام و دستورات خاصی صادر کرده است. یکی از دستورات اسلام موضوع مهریه و چگونگی پرداخت آن به زوج است که با عنوان شرط عندالمطالبه و شرط عندالاستطاعه مشخص می‌شود؛ بنابراین لازم است از شرایط مذکور به تفصیل سخن گفته شود تا مطالبه و پرداخت مهریه به نحو صحیح انجام گیرد. هدف از نوشتار حاضر جلوگیری از مشکلات ناشی از جهل به شروط مذکور در ضمن عقد نکاح و روشن کردن این مطلب است که پرداخت مهریه به صورت عندالمطالبه یا عندالاستطاعه صحیح است. شروط عندالاستطاعه و عندالمطالبه مشکلاتی را برای طرفین عقد نکاح و خانواده‌های آنها ایجاد کرده است و باعث به زندان افتادن عده‌ای از مردها به علت عدم تمکن مالی در پرداخت مهریه شده است. تضييع حقوق مالی زنان در مواردی که مردها با قراردادن قید عندالاستطاعه خود را از پرداخت مهریه معاف می‌کنند ضرورت آگاه‌سازی جامعه نسبت به این دو شرط را می‌طلبد. درباره مهریه آثار مکتوب و متنوعی اعم از کتاب، پایان‌نامه و مقاله نوشته شده است مانند کتاب بررسی مبانی فقهی و حقوقی نحوه مطالبه مهریه، تألیف داود بصارتی و مقاله مهریه، عندالمطالبه یا عندالاستطاعه اثر سید محمدرضا امام و سید محمد رضوی، اما نوشتاری با عنوان اقسام شروط ضمن عقد نکاح برای پرداخت مهریه در تحقیقات یافت نشد. بنابراین، نوشتار حاضر درصدد بیان این سؤال اصلی است که شروط ضمن عقد نکاح برای پرداخت مهریه کدامند و سؤالاتی مانند معنای مهریه چیست؟ مقدار مهریه چه مقدار است؟ اقسام مهریه کدامند و ماهیت مهریه چیست. نوشتار حاضر در محدوده فقه و به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. مهر در لغت

مهر در لغت به معنای عوض به کار می‌رود. (معلوف، ۱۹۹۲) برای مهر کلمات مترادف زیادی به کار رفته است مانند صدق که نشانه راستین بودن علاقه مرد است (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶)، نخله (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲۰۳/۳؛ جوهری، ۱۴۱۰، ۹۷۷/۳)، فریضه (راغب اصفهانی، ۱۴۱۳، ص ۶۳۰)

اجر و صدقه (جوهری، ۱۴۱۰، ۱۵۰۵/۴؛ اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴، ۳/۴۸۵) و ... در فارسی به مهر، کابین گفته می‌شود (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۲۲۳).

۲-۲. تعریف مهر از دیدگاه فقها

علامه حلی در تعریف مهر می‌گوید: «مهر عوض بضع است که زن به واسطه عقد نکاح آن را تملیک می‌کند. (حلی، ۱۳۶۳، ص ۵۴۲) فقیه دیگری در تعریف مهر می‌گوید: «آن چیزی که زن و مرد روی آن توافق می‌کنند، مهر است. آنچه که برای آن قیمت است، چه کم باشد چه زیاد» (طوسی، ۱۹۸۰، ص ۳۴۶). برخی دیگر از فقها این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مهر مالی است که در مقال وطئ غیر از زنا به زن پرداخت می‌شود نه اینکه زن، کنیز باشد یا به واسطه عقد نکاح یا تقویت قهری بضع (اگر کسی سبب تقویت بضع شود، ضامن است) در بعضی حالات مانند ارضاع. برای مثال اگر مادرزن، نوه دختری خود را شیر دهد دخترش به شوهرش حرام می‌شود و چون تقویت بضع کرده است باید مهر را بدهد، رجوع شهود؛ یعنی شهودی شهادت دادند که این مرد با این زن ازدواج کرده و مهر را از زوج گرفته است و به زن داده است. حال اگر شهود از شهادت خود برگردند چون تقویت بضع کرده‌اند باید مهر را به زوج بدهند (نجفی، ۱۳۷۴، ۲/۳۱).

علمای اهل سنت تعریف مهر را با الفاظی مانند وطی و استمتاع سامان داده‌اند. شافعی‌ها معتقدند: «مهر به واسطه نکاح یا وطی یا تقویت بضع واجب می‌شود». (الجزیری، ۱۹۸۰، ۹۵/۴-۹۴) مالکی‌ها بر این باورند: «مهر هر آن چیزی است که برای زوجه به واسطه استمتاع از او ایجاد می‌شود» (کمال الدین، ۱۹۹۶، ص ۱۱۹). حنابله می‌گویند: «مهر عوض در نکاح است؛ خواه در عقد نکاح ذکر شود یا اینکه بعد از عقد به تراضی زوجین یا حاکم تعیین شود» (کمال الدین، ۱۹۹۶، ص ۱۱۹). تعریف مهر به عوض جامع به نظر نمی‌رسد؛ زیرا زن به مجرد عقد نکاح، مالک مهر می‌شود و می‌تواند در آن تصرف کند. اگر شوهر قبل از دخول، زن خود را طلاق دهد زن مالک نصف مهر می‌شود، پس مرد به دلیل عدم استفاده از بضع نمی‌تواند از پرداخت مهریه خودداری کند. در نتیجه مهر را نمی‌توان ثمن بضع تلقی کرد. در همه تعاریف آمده است که مهر مالی است که به موجب عقد نکاح زوج ملک است آن را به زوجه پرداخت کنند. مهر از ارکان عقد نکاح دائم تلقی نمی‌شود بلکه از آثار آن محسوب می‌شود؛ زیرا عقد نکاح بدون مهر صحیح است (مغنیه، ۱۳۷۷، ص ۳۴۵).

۳. اقسام مهریه

۳-۱. مهر المسمی

مهری است که میزان آن هنگام عقد نکاح، معین و از آن نام برده می‌شود. (فیض، ۱۳۷۵، ص ۳۷۷)

۳-۱-۱. موارد مهر المسمی

هر چیزی که در ملک انسان درآید، می‌تواند مهر واقع شود مانند اعیان، منافع، دین، منافع حر مثل عمل حضرت موسی علیه السلام و حقوق قابل انتقال. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۸/۶)

۳-۲. مهرالمثل

مهری است که مقدار آن با رعایت حال زن از نظر شرافت و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و بستگان و نزدیکان و همچنین محل زندگی و ... در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، مهریه‌ای مثل مهریه زنان هم‌شأن و هم‌ردیف او. (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ۲۵۹/۱) مبنای فقهی مهرالمثل روایاتی است که در آن «لها صدق نساءها» وجود دارد. فقها به استناد مضمون فوق چنین نظر داده‌اند که در تعیین مهر، ویژگی‌های اخلاقی و خانوادگی و ارزش‌های علمی از نظر داشتن مدارک علمی و هنری و یا معیارهای جسمانی، سن، زیبایی، بکارت و هر آنچه که در عرف محل، مایه افزایش مهر و یا کاهش آن است باید مورد توجه قرار گیرد (محقق داماد، ۱۳۷۴، ص ۲۵۶).

۳-۳. مهرالمتعه

در ماده ۱۰۹۳ ق.م.آ.م آمده است: «هرگاه مهریه در عقد ذکر نشده باشد و قبل از نزدیکی و تعیین مهر، زن خود را طلاق دهد، زن مستحق مهرالمتعه است». منظور از آن، تعیین مهریه با توجه به وضعیت مالی و دارای‌هایی مرد است از حیث غنا و فقر. پرداخت مهرالمتعه نزد فقهای امامیه الزامی است (نجفی، ۱۳۴۷، ۵۱/۳۱). مهرالمتعه در صورتی به زن داده می‌شود که پیش از نزدیکی، مرد زن را طلاق دهد. در این صورت اگر جدایی در اثر فوت یکی از زوجین یا خیار فسخ یا درخواست طلاق از طرف زن، صورت گیرد زن حق مطالبه مهرالمتعه را ندارد (کاتوزیان، ۱۳۵۰، ۱۵۱/۱).

۴. مقدار مهریه

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مهریه یا صدق چیزی است که هر دو نفر بر آن رضایت می‌یابند چه کم باشد یا زیاد». (نوری، ۱۴۰۸، ۶۰۴/۲) در مقدار مهر بین فقهای امامیه اختلاف وجود دارد. مشهور بین فقهای امامیه این است که مهر حداقل و حداکثری ندارد. محقق کرکی

در این زمینه می‌گوید: «برای صداق، مقدار معین نشده است بلکه هر چیزی که بتواند مال واقع شود، می‌تواند صداق واقع شود» (محقق کرکی، ۱۴۱۱، ۳۳/۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۳۵۹/۳). یکی دیگر از فقها می‌نویسد: «در کمی و زیادی مهر، اندازه‌ای وجود ندارد بلکه به تراضی طرفین بستگی دارد» (محقق حلی، ۱۴۱۸، ۱۸۸/۱). در مقابل قول مشهور فقها قول غیرمشهوری وجود دارد که معتقد است مهر نباید از مهرالسنته تجاوز کند و چنانچه بیش از آن مقرر شود به همین مقدار برگشت می‌کند (سید مرتضی، ۱۴۱۵، ص ۲۹۲). برخی دیگر از فقها مهر بیش از مهرالسنه را مکروه دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ۱۱۵/۲). مهرالسنه، مهری است که اگر زن و مرد را به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ تزویج کند مهریه زن پانصد درهم است (فیض، ۱۳۷۵، ص ۲۵۹).

۵. ماهیت مهریه

در اینکه ماهیت مهر در عقد نکاح چیست، آیا عوض از چیزی است و آیا داخل در عقود معاوضی مانند اجاره یا غیر از اینهاست بین فقهای امامیه و اهل سنت محل بحث واقع شده است. منشأ اختلاف در حقیقت به این برمی‌گردد که آیا مهر در عقد نکاح مانند سایر عقود معاملات است تا مهر در آن حکم معاوضات حقیقیه و آثار آن را داشته باشد یا عقد نکاح از عبادیات و امور ارزشی است تا قصد قربت در آن شرط باشد و مهر در آن جنبه فرعی داشته باشد یا قصد قربت در آن لازم نیست و از امور توصلیه است.

۱-۵. تعبیر فقها از ماهیت مهریه

- برخی از فقها نکاح را در زمره عقود معاوضی شمرده‌اند و در ترتیب برخی از احکام آن به همین دلیل استدلال شده است. علامه حلی می‌گوید: «مهر عوض بضع است و زن به سبب عقد، مالک آن می‌گردد» (حلی، ۱۳۶۳، ص ۱۴۱) با توجه به حالات مختلف، نوعی خاص از مهر به زوجه تعلق می‌گیرد و به نظر می‌رسد ماهیت برخی از اقسام مهریه ریشه قراردادی دارد و برخی دیگر ناشی از حکم قانون است (موسوی، و تقی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۷)، پس ماهیت تمام اقسام مهریه یکی نیست. در مهرالمسمی که زوجین در مورد آن به صورت کامل نسبت به نوع، مقدار و نحوه پرداخت آن توافق دارند و زوج با رضایت و رغبت پرداخت آن را به عهده می‌گیرد الزام ناشی از قرارداد است و این الزام، ناشی از اراده زوج و مورد قبول زوجه است (موسوی، و تقی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۷).

- برخی از فقها مهر تعیین شده بعد از عقد نکاح را در صورت عدم تعیین مهر هنگام عقد نکاح را قرارداد تلقی کرده‌اند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ۵۳۳/۳) در مهرالمثل و مهرالمتعهد که زوج فقط به موجب قانون موظف به پرداخت مهریه می‌شود، مهریه ماهیت قرار دارد و ریشه آن الزام قانونی دارد (موسوی، و تقی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۷).

مهریه می‌تواند صبغه تملیکی یا عهدی داشته باشد (محقق حلی، ۱۴۱۸، ۱۸۸/۱) و این امر به عمل حقوقی زوج بستگی دارد. مثل اینکه زوج هنگام عقد نکاح، عین معینی را تملیک می‌کند. در این فرض، مهر صبغه تملیکی پیدا می‌کند و زن بلافاصله پس از عقد، مالک می‌شود. گاه زوج تعهد پرداخت مالی را به عنوان مهر می‌کند که مهر عهدی است و فقط ذمه زوج مشغول آن است، ولی مالی در عالم خارج وجود ندارد تا زن مالک آن شود. به نظر می‌رسد مهری که در تعاریف فقها آمده است که به مجرد عقد زوجه مالک آن می‌شود نوع اول مهر است نه مهریه عهدی و اغلب مهریه‌ها امروزه از این نوع هستند (گرجی، و جمعی از نویسندگان، ۱۳۴۴، ص ۲۳۳).

۶. اقسام شروط ضمن عقد نکاح برای پرداخت مهریه

شرط ماهیتی اعتباری و غیر مستقل است که در ضمن عقد انشا می‌شود و برخلاف عقد یا ایقاع، به صورت مستقل انشا نمی‌شود، پس شرط را نمی‌توان یک ایقاع تلقی کرد؛ زیرا ایقاع عمل حقوقی یک طرفه است که به طور مستقل به اراده موقع انشا می‌شود در صورتی که شرط، عمل حقوقی دوطرفه است که وابسته است و به تبع عقد، انشا می‌شود. (شهیدی، ۱۳۸۷، ۲۲/۴) شرط امری فرعی است که در ضمن عقد اصلی قرار داده می‌شود. همان طور که متعاقدين می‌توانند توافقات خود را به طور مستقل و به شکل عقد جدید تنظیم کنند، می‌توانند مجموعه‌ای از توافقات را در قالب شرط، حول یک هسته مرکزی قرار دهند (سعیدی، و وهاب‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۶۴).

۶-۱. شرط پرداخت مهریه عندالاستطاعه

از جمله شروطی که می‌تواند از جانب زوجین در ضمن عقد نکاح مطرح شود شرط پرداخت مهریه به هنگام استطاعت مالی زوج است. یکی از شروط عوضین در فقه، قدرت تسلیم است. برای مثال در عقد بیع، مبیع باید به گونه‌ای باشد که بایع بتواند آن را به مشتری تحویل دهد.

۱-۱-۶. آیات

از آیاتی که می‌توان از آن برای اثبات قدرت پرداخت استفاده کرد آیه ۲۸۰ سوره بقره است: «وَ إِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و اگر وامدار تنگدست بود مهلتی دهید تا توانگر گردد و اگر دانا باشید، بدانید که چون بر او ببخشاید برایتان بهتر است». عبارت ذوعسره از نظر فقهی، بدهکاری است که بیش از نیازهای ضروری و مخارج متعارف خود و خانواده‌اش را نداشته باشد تا بتواند بدهی خود را پرداخت کند. مقصود از نیازهای ضروری که جزء مستثنیات دین است خوراک، پوشاک، مسکن، وسیله نقلیه، خادم ... در حد شأن است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۵۸۱/۱۲).

۱-۲-۶. روایات

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «اگر کسی خواهان این باشد که خداوند متعال وی را تحت عرش خود جای دهد چند شرط دارد: یکی از آنها این است که باید به شخص بدهکار (ناتوان) مهلت دهد تا با حصول گشایش، بدهی خود را پرداخت کند». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۳۶۷/۱۸)

۱-۳-۶. قاعده نفی عسر و حرج

اگر مهریه عندالمطالبه باشد و میزان آن به قدری است که زوج با مطالبه زوجه قادر به پرداخت نیست و زوجه اصرار بر مطالبه خود کند، حرج و سختی بر زوج وارد می‌شود و با سختی‌های بسیاری مواجه خواهد شد. بنابراین با قراردادن مهریه به صورت عندالاستطاعه حرج از او برداشته می‌شود.

۱-۴-۶. عمومات المؤمنون عند شروطهم

با توجه با این مطلب که شرط عند الاستطاعه می‌تواند به عنوان شرط ضمن عقد قرار گیرد اگر زوجین بر پرداخت مهریه به صورت عندالاستطاعه توافق کنند براساس روایت «المؤمنون عند شروطهم» توافق آنها معتبر است و باید به آن ملتزم شوند.

۱-۵-۶. شبهه و دفع آن

براساس آنچه بیان شد تا زمانی که چنین استطاعتی برای زوج حاصل نشود زوجه مستحق دریافت مهریه نخواهد بود، اما اینکه چنین شرطی جزء شروط صحیح است یا نه، محل بحث

است. از یک سو با وجود شرط عندالاستطاعه در عقد چون زمان استطاعت معلوم نیست موجب تردد در عوض و در نتیجه غرر خواهد شد و به اتفاق فقها عقد به حکم یکی از متعاقدین صحیح نیست. (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ۲/۲۶۷) شرط عندالاستطاعه در عقد نیز آن را منوط به وقوع صفتی در یکی از طرفین می‌کند که زمانش معلوم نیست و این یکی از موارد بطلان قرارداد است (انصاری، ۱۴۱۱، ۲/۴۷۷). بنابراین، اگر جنبه معاوضی بودن عقد نکاح در نظر گرفته شود باید گفته شود که مبتنی بر عذر است و موجب بطلان مهریه نیز می‌شود، اما جنبه عبادی بودن نکاح را نباید از نظر دور داشت (امام، و رضوی، ۱۳۸۸) و بر اساس عبادی بودن نکاح این مقدار جهل ضرری نمی‌رساند. اگر استطاعت پرداخت مهریه تا پایان عمر برای او حاصل نشد مانند سایر دیون بر ذمه وی باقی خواهد ماند (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ۲/۳۶۴) و باید از محلی دارایی‌های میت پرداخت شود.

عقد نکاح را نمی‌توان معامله صرف دانست که عوض و معوضی در آن وجود دارد تا بتوان بر سر نوع این عوض و شرایط آن صحبت کرد. از طرف دیگر حتی در صورت عوض و معوض دانستن نکاح و توجه به جنبه مالی آن، باز هم شرط عندالاستطاعه بودن خللی به عوضین وارد نمی‌کند؛ زیرا میزان و مقدار مهریه به‌طور مشخص و شفاف معین شده است و فقط زمان مطالبه وصول مشروط به شرط خاص شده است؛ یعنی عندالاستطاعه بودن مهریه به معنای مجهول شدن شروط نخواهد بود. در شرط عندالمطالبه نیز زمان طلب زوجه مشخص نیست و این، مشخص نبودن عقد را شبهه‌دار نمی‌کند. استطاعت امری عارضی است نه صفت اصلی که به مرور پدید می‌آید. بنابراین از نظر فقهی و با توجه به اصل اباحه و همچنین عدم مخالفت شرط با شرع و مقتضای عقد، شرط عندالاستطاعه در عقد نکاح را می‌توان شرط أجل مستقبل ایجابی، سلبی عنوان کرد. (محقق داماد، ۱۳۸۲، ۱/۱۲۳)

۲-۶. شرط عندالمطالبه

اصل در دیون این است که هرگاه طلبکار طلبش را مطالبه کرد مدیون باید آن را پرداخت کند مگر اینکه در ادای آن معذور باشد. در مورد مهریه نیز همین‌طور است. هرگاه زوجه مهریه‌اش را مطالبه کند زوج باید آن را پرداخت کند. بنابراین، پرداخت مهریه در فرض عندالمطالبه به اثبات و اقامه ادله فقهی نیازی ندارد یا به اندازه مهریه عندالاستطاعه، حساسیت نیست.

۶-۲-۱. ادله فقهی شرط عندالمطالبه در مهریه

۶-۲-۱-۱. آیه «اوفوا بالعقود»

یکی از دلایل مهم فقها در فقه معاملات که جایگاه ویژه‌ای دارد آیه: «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» (مائده: ۱) است. مهریه تعهد و پیمانی است که زوج در ضمن عقد نکاح یا بعد از آن ملتزم به پرداخت آن می‌شود.

۶-۲-۱-۲. مقتضای قاعده (حال بودن دین)

عندالمطالبه در موردی است که مهریه حال باشد. اگر مهریه حال باشد زوجه حق مطالبه دارد. دلیل آن مقتضای قاعده است و مهریه هم مثل سایر دیون است و زوجه حق دارد مهر خود را به صورت حال مطالبه کند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۵۲/۶) ابن حمزه می‌گوید: «هرگاه طلبکار دین حال را مطالبه کند در صورت فقدان عذر و اعسار، لازم الوفا می‌شود» (مروارید، ۱۹۹۰، ص ۳۰).

۶-۲-۱-۳. العقود تابعه للقصود

عقد تعهدی است که یک شخص با شخص دیگر در مورد امری برقرار می‌کند. این امر مورد تعهد می‌تواند از امور مالی مانند باب معاوضات باشد و نیز از امور دیگری مانند امر نکاح باشد. بنابراین، آثار عقد بر چنین تعهدی مترتب می‌شود. در عالم اعتبار این مطلب به آن معناست که معنای منظور، مقصود متکلم باشد. (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۱۳۵/۳) در مورد مهریه عندالمطالبه گفتنی است که مهریه پس از اجرا شدن عقد و پس از سپری شدن زمانی از زندگی مشترک مورد مطالبه قرار گیرد نه اینکه به صرف اجرای عقد و یا گذشتن مدت زمان کوتاهی از عقد، مطالبه مهریه صورت گیرد. از این رو مطالبه مهریه به عنوان یکی از آثار عقد ازدواج، تابع قصد طرفین است. گفتنی است مبنای مذکور در شرط عندالاستطاعه نیز مطرح می‌شود و می‌تواند به عنوان مبنای مشترک محسوب شود.

۶-۳. تفاوت شرط عندالاستطاعه با عندالمطالبه

شرط عندالمطالبه در ماهیت با عندالاستطاعه تفاوت زیادی دارد. مهریه عندالمطالبه، دینی است که همواره فعلیت دارد و نقش مطالبه تنها الزام زوج بر پرداخت آن است، اما مهریه عندالاستطاعه چنین فعلیتی ندارد، ولی با حصول استطاعت، فعلیت پیدا می‌کند و زوج باید آن را پرداخت کند و منوط به مطالبه زوجه نخواهد بود. تفاوت دیگری که بین این دو شرط دیده می‌شود این است که در مهریه

عندالاستطاعه، بار اثبات استطاعت زوج برعهده زوجه است و اوست که باید این ادعا را ثابت کند درحالی که در شرط عندالمطالبه، زوج است که باید با استناد به ادله‌ای که می‌آورد اعسارش را ثابت کند.

۷. نتیجه‌گیری

مهر مالی است که به موجب عقد نکاح، زوج مکلف به پرداخت آن می‌شود و از ارکان عقد نکاح دائم محسوب می‌شود بلکه از آثار آن است. مهر سه قسم دارد: مهرالمسمی، مهرالمثل و مهرالمتعه. در مورد مقدار مهریه بین فقهای امامیه اختلاف وجود دارد. مشهور فقها معتقدند که در مهر حداقل و حداکثر وجود ندارد، ولی در مقابل برخی دیگر می‌گویند مهر نباید از مهرالسنة تجاوز کند. درباره ماهیت مهریه برخی می‌گویند مهریه در زمره عقود معاوضی است و برخی دیگر می‌گویند قراردادی است در صورتی که در زمان عقد، مهر معین نشود و بعد از عقد نکاح، مهر معین شود. شروط ضمن عقد برای پرداخت مهریه دو قسم است: یکی شرط عندالاستطاعه که مبانی فقهی آن مواردی چون قدرت پرداخت، قاعده نفی عسر و حرج و عمومات «المؤمنون عند شروطهم» است. برخی بر این شرط اشکال وارد کرده‌اند که چون زمان پرداخت مهریه در شرط عندالاستطاعه مشخص نیست، پس این شرط باطل است. در جواب می‌توان گفت باید جنبه عبادی بودن نکاح را در نظر گرفت نه معاوضی بودن آن را. شرط دیگر، شرط عندالمطالبه است؛ یعنی شرطی که برای اثبات آن نیازی به مبانی فقهی نیست؛ زیرا اصل در دیون این است که زمان مطالبه طلبکار، مدیون باید دین را پرداخت کند، پس در وجود و قرارداد این دو شرط هیچ اشکالی وجود ندارد و می‌توانند به عنوان شرط ضمن عقد برای پرداخت و مطالبه مهریه قرار گیرند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. اسماعیل بن عباد، ابوالقاسم (۱۴۱۴). المحيط فی اللغة. بیروت: عالم الكتاب.
 ۲. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۷). تحریر الوسیله. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۳. امام، سید محمد رضا، و رضوی، سید محمد (۱۳۸۸). مهریه عندالمطالبه یا عندالاستطاعه. نشریه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۶ (۱۸)، ۶۸-۵۳.
 ۴. انصاری، مرتضی (۱۴۱۱). مکاسب محرمة. قم: منشورات الذخائر.
 ۵. بجنوردی، حسن (۱۴۱۹). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
 ۶. الجزیری، عبدالرحمن (۱۹۸۰). الفقه علی المذاهب الاربعة. بیروت: دار الكتاب العربی.
 ۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تسنیم. قم: نشر اسراء.

۸. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). الصحاح- تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دار العلم.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۰. حلی، یوسف بن علی بن مطهر (۱۳۶۳). تبصره المتعلمین فی احکام الدین. مترجم: شعرانی، ابوالحسن. تهران: اسلامیه.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. سوریه: دار العلم.
۱۲. سعیدی، محمد علی، و وهاب زاده، عباسعلی (۱۳۸۹). بررسی شرط عند الاستطاعه. نشریه آموزه‌های حقوق کیفری، ۲(۱۳)، ۸۲-۶۱.
۱۳. سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۵). الانتصار فی انفرادات الامامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۸۷). شرح المعه. مترجم: شیروانی، علی. قم: قدس.
۱۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۲). الروضه البهیة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. شهیدی، مهدی (۱۳۸۷). شروط ضمن عقد. تهران: انتشارات مجد.
۱۷. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۹۸۰). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دار الكتاب العربی.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۱۹. فیض، علیرضا (۱۳۷۵). مبادی فقه و اصول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۵۰). حقوق خانواده. تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.
۲۱. گرجی، ابوالقاسم، و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴). بررسی تطبیقی حقوق خانواده. تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. محقق حلی، ابی القاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (۱۴۱۸). المختصر النافع فی فقه الامامیه. قم: المطبوعات الدینیة.
۲۳. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۲). حقوق خانواده. تهران: مرکز نشر اسلامی.
۲۴. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۱). جامع المقاصد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۵. کمال الدین، محمد (۱۹۹۶). الزواج و الطلاق فی الفقه الاسلامی. بیروت: المؤسسه الجامعیة الدراسات و النشر و التوزیع.
۲۶. مروارید، علی اصغر (۱۹۹۰). موسوعه البنایع الفقهیة. بیروت: الدار الاسلامیه و الدار التراث.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). نظام حقوقی زن در اسلام. تهران: صدرا.
۲۸. مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۷). الفقه علی المذاهب الخمسه. بیروت: مؤسسه الصادق للطباعه و النشر.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی ابن ابیطالب علیه السلام.
۳۱. موسوی، سید احمد، و تقی زاده، علی (۱۳۸۹). ضمانت مهریه. نشریه پژوهش حقوق عمومی، ۱۲(۲۹)، ۸۶-۶۵.
۳۲. نجفی، محمد حسن (۱۳۷۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. تهران: اسلامیه.
۳۳. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.